

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

بازتایپ و ارسال از: لاله
۱۰ جون ۲۰۱۵

نظری گذرا بر نثر و شعر دری

(قوانین، صناعات، سبک ها و مکاتب ادبی)

مؤلف: زنده یاد داد نورانی

(۳)

دوره سوم (از ۵۵۰ تا ۷۰۰ هـ.ق):

مشخصات ایندوره عبارتست از: نثر مصنوع و متکلف (بدون کتب فلسفه و تصوف که تا اندازه ای سادگی دارند)، سجع، توازن، ترادف و تقارن به درجه اعلی در اثر ظهور می کنند، کلمات عربی بین ۶۰ تا ۸۰ درصد وارد نثر ما می گردد، در استشهد آیات، احادیث، امثال و حکم می آرند، نثر مرسل مشکل. آثار مشهور ایندوره عبارتند از: مقامات حمید (۵۵۴ هـ.ق)، مرزبان نامه (اوایل قرن هفتم)، التوسل الی الترس (۵۸۰ هـ.ق)، جامع العلوم فخر رازی (۵۹۱ هـ.ق) و...

نمونه نثر این دوره از مرزبان نامه: "تا آنکه که بر زمین بابل مردی دیندار با دید آمد بر سر کوهی مسکن ساخت و صومعه ترتیب کرد و آن جایگاه سجاده عبادت بگسترد و به جاده عصمت خلق را دعوت میکرد. تا به اندک روزگاری بساط دعوت او روی به بسطت نهاد و بسیار کس اتباع دانش او کردند و اتباع بیشمار برخواستند و تمسک به قواعد تنسک او کردند و از بدعت کفر به شرعت ایمان آوردند و بر قبله خدای پرستی اقبال کردند و از دیوان و افعال اینان اعراض نمودند."

دوره چهارم (از ۷۰۰ تا ۱۲۰۰ هـ.ق):

ایندوره را به نام نثر صنعتی و تکلف نثر یاد می کنند. نثر بسیار پیچیده و غامض می شود. آثار مشهور ایندوره عبارتند از: تاریخ جهانکشی جویی (از ۶۲۳ تا ۶۶۸)، تاریخ و صاف، لباب الالباب عوفی (۶۱۸ هـ.ق)، نمونه نثر این دوره از تاریخ جهانکشی جویی: "حق تعالی چون چنگیز خان را عقل و هوشمندی داد و از اقران او را ممتاز گردانیده بود و به تقیظ و تسلط از ملوک جهان سر افراز تا آنچه از عادت جیابره الماس را مذکور بود و از رسوم و شیوه های فراعنه و قیاصره مسطور بی نصب مطالعه اخبار و زحمت اقتضا به آثار، از صحیفه باطن خویش اختراع می کرد و آنچه به ترتیب کشور گشایی مقصود بود و به کسر شوکت اعدای و رفع درجه موالی عاید، آن خود تضعیف ممیز و تألیف خاطر او بود."

دوره پنجم (از ۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰ هـ.ق):

این دوره به نام دوره بازگشت ادبی نامیده می شود. در این دوره برای نثر ادبی ابتکار معینی صورت نمی گیرد. نثر به تقلید از گلستان، تاریخ بیهقی و ترجمه و تفسیر تاریخ طبری نوشته می شود. آثار این دوره عبارت اند از: نشات قایم مقام فراهانی، نشات مرزا نشاط، ناسخ التواریخ مرزا تقی خان سپهر، ریاض العارفین مجمع الفصی، میر خوند، نامه دانشوران و...

نمونه ای از نثر منشآت قایم مقام فراهانی: "مهربان من! دیشب که به خانه آمدم خانه را صحن گلزار و کلبه را طبله عطار دیدم ضیفی مستغنی الوصف، که سایه ناز و محرم راز بود گفت: تا حدی وقت ظهر کاغذی سر به مهر آورد که سر بسته به تاق دیوان است و گلدسته باغ رضوان گفتم "لاجدریح یوسف لولارن تفندون" فی الفور با کمال شوق و شغف مهر از نامه بر گرفتم، ندانستم نامه و خط شماست یا نامه مشک ختا؟ نگارخانه چین است یا نگارخانه عنبرین؟ دل میبرد آن خط نگارین، گویی خط روی دستانت: پرسشی از حالم کرده بودی از حال مبتلای فراق."

دوره ششم (از ۱۳۰۰ هـ.ق) بدینسو:

به نام دوره ساده نویسی یاد می شود: در این دوره تأثیر و آشنائی نویسندگان ما با آثار غربی، تأسیس چاپخانه ها، نشریه ها و مجلات، نشر بی حد کتب در بلند بردن سواد مردم اثرمند بود و نثر از حلقه های محدود دوران های گذشته بیرون و وارد اقشار مختلف اجتماع می گردد. لذا ساده نویسی و بی پیرایگی در نثر به خاطر عام فهم شدن آن شیوع می یابد.

نمونه ای از نثر کتاب میر غلام محمد غبار (افغانستان در مسیر تاریخ): "دولت صفاری نه تنها سلطه سیاسی عرب را به کلی از افغانستان بر انداخت بلکه در مقابل زبان عرب، زبان دری افغانستان را که به شکل محلی مانده و تحت نفوذ قوی عربی قرار گرفته بود بر کشید و آن را به شکل زبان ملی و رسمی کشور قرار داد.

زبان دری اصلاً در مناطق دو طرفه رود جیحون (افغانستان - ماورالنهر) به میان آمده و زبان های قدیمی این دو کشور از قبیل اسکائی، تخاری، سندی و هم پهلوان پارتی در تشکیل آن مؤثر و قوی بوده است. خصوصاً زبان سندی که چندین قرن زبان علمی آسیای وسطی بوده و در نگارش آثار مذهبی مانوی، بودائی، نسطوری تأثیر داشته بود و قدیمی ترین نظم و نثر دری نیز در بادغیس، مرغاب، سیستان، جوزجان و بلخ (افغانستان)، سمرقند و بخارا (ماورالنهر) از طرف فضایل این کشور ها سروده و نوشته شده است. مانند ابوالعباس مروزی، حنظله بادغیسی، سعد بن وصیف سکزی، ابوحفص سمرقندی، ابوالموید بلخی، مولف جوزجانی حدود العالم. در حالی که در این ایام در کشور ایران حتی یک پارچه نظم و نثر دری وجود نداشت.

این که منشاء زبان دری را بعضی ها پهلوی ساسانی دانسته اند یک اشتباه است زیرا از قرن هفتم (قرن اول هجری) که زبان دری در افغانستان موجود بود در ایران زبان پهلوی ساسانی زبان آن کشور بود. حتی پهلوی ساسانی تا قرن سیزدهم و هجوم مغل در حصص غربی ایران حیات داشت. زبان دری به واسطه دولت های صفاری، سامانی و غزنوی افغانستان بسط یافت، لهجه های زبان دری هم بیشتر در افغانستان به میان آمده و هم در اینجا از بین رفته است از قبیل هروی، زاولی، سکزی. در هر حال دوره نخستین ادب زبان دری یک دوره ادب شفاهی بود که بعد ها در رسم الخط عربی اسلامی در آمد و در دوره صفاری رو به تکامل سریع نهاد. محمد بن وصیف سکزی رئیس دیوان رسایل یعقوب صفاری است که او را در شعر دری بستود. ابو سلیک گرگانی شاعر دیگر زبان دری است که با عمرو لیث صفاری معاصر بوده است."

قبلاً تذکر دادیم که در اثر زوال اشرافیت در اروپا و احیای رنسانس، مکاتب گوناگونی در ادبیات آنجا پا گرفت که اثرات آن به صورت جدی بر ادبیات ما مشهود است. این مکاتب در نوشتار های نثری در قالب های رمان، داستان

کوتاه ... شکل می گیرد که نخست بررسی اجمالی ازین مکاتب به عمل آورده، بعد از آن به معرفی رمان، داستان کوتاه، قصه و... می پردازیم.

مکاتب ادبی اروپا شامل کلاسی سیم، رمانتیسم، سمبولیسم، سورئالیسم، ریالیسم، ناتورالیسم و... می باشد که به معرفی مختصر تک تک آن می پردازیم.

ادامه دارد...